

# نامه‌ی ابراهیم پورداود به محمد روشن در اعتراض به حمله‌ی نیروهای نظامی به دانشگاه در بهمن ۱۳۴۰

## یادداشت □

نیروهای نظامی و چترباز در اول بهمن ۱۳۴۰ به دانشجویان دانشگاه تهران حمله آوردند. در این روز به دنبال تظاهرات چند روز گذشته بعضی از دانش‌آموزان و اخراج آن‌ها، دانشجویان دانشگاه تهران، دست به تظاهرات زدند و بین آن‌ها و پلیس زد و خوردی شدید در گرفت. در پی این زد و خورد حدود دویست پلیس و دانشجوی مجروح شدند و به تاسیسات دانشگاه و مراکز اتمی خسارت وارد آمد و کلیه‌ی آزمایشگاه‌ها از کار افتاد و دانشگاه به دستور دولت تعطیل شد. دولت اعلام کرد که این تظاهرات به تحریک مالکان و متنفذین بوده است و عمال کمونیسم در آن دست داشتند. (روزشمار تاریخ ایران، باقر عاقلی، تهران، (۱۳۷۰)، ۲/۱۳۶، در این باره هم چنین نگاه کنید به:

**قلم و سیاست**، محمدعلی سفری، تهران، (۱۳۷۳)، ۱/۴۳۴-۴۳۶

در همین اوان، استاد ابراهیم پورداود طی نامه‌ی خصوصی احساسات خود را در این باب اظهار داشته است:  
«۲۲/ بهمن / ۱۳۴۰»

آقای محمد روشن گرامی ارجمند

نامه‌ی ۲۱ دی ۱۳۴۰، روز ۲۶ همان ماه رسید... دیروز بامداد خواستم به نامه‌ی شما پاسخ دهم واز برای هدیه‌ی سپاسگزاری کنم که مهمانی رسید. تا این که بعداز ظهر دیروز تلگراف تبریک تولدم را دریافتیم. بیش از پیش مایه‌ی شادمانی و سپاسگزاری گردید. گرچه روز تولدم به پنجم ماه مارس فرنگی می‌افتد. اما اظهار محبت دوستان، همه وقت موجب خوشی است. این تبریک را از برای همان روز به حساب خواهم آورد. در این جا پس از چند روز بارتنگی، هوا آفتابی و خوب است.

پیش آمد بسیار زشت و پست که از برای دانشگاه این جا روی داد، همه را افسرده کرد. گمان نمی‌کنم این رفتار ناهنجار به این زودی‌ها از یاد برود و آن همه ننگ و رسوایی از خاطره‌ی مردم تربیت‌شده‌ی این سرزمین در هنگام چند ماه زوده شود.

گمان نمی‌کنم امسال دیگر باره درس و بحثی داشته باشیم گرچه همیشه کار داریم، اما شخصاً دلم به کاری ست که در دانشگاه انجام می‌دهم و چیزی از اندوخته‌ی ناچیز خود به گروهی از فرزندان میهن

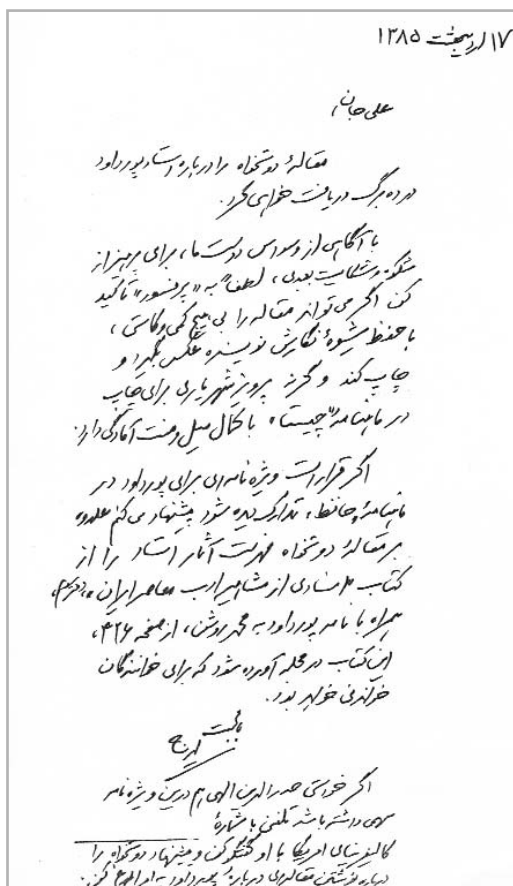
خود می‌سپرم. این است که با بسته‌بودن دانشگاه، دل تنگم. شک نیست که دانشجویان هم که از تحصیل بی‌بهره مانده‌اند، دل تنگ و ناشکیبا هستند.

درود و سلام من و خانم را خدمت خانم خود برسانید. از خدا تندرستی شما را خواستارم.

دوستار شما

پورداود»

(منبع: اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، ص ۴۲۶-۴۲۷) ■



نامه‌ی ایرج پارسی پور به علی هاشمی درباره‌ی پورداود